

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته: جرمن فارین پالیسی
برگردان: شهرام فلاح
ویراستاری و ارسال: نسرين معروفی
۲۲ اپریل ۲۰۲۳

پایان سلطه ایالات متحده در خلیج فارس

حال که اولویت های سیاست خارجی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تغییر می کند، مشخص نیست که آیا اقتصاد المان در آینده نقش اول را بازی خواهد کرد یا نه. پانیز سال گذشته، دولت المان نتوانست به نحو مؤثری سفارشات کلان خود را برای واردات گاز طبیعی از امارات متحده عربی اجرا کند. با قطعیت نمی توان گفت که آیا علت این عدم موفقیت مربوط به واقعیتهای [میدانی] بود و یا محصول طیف وسیعی از ملاحظات سیاست خارجی..

چین با کسب حوزه نفوذ در خلیج فارس از طریق میانجی گری موفقیت آمیز خود در رابطه با مناقشه بین عربستان سعودی و ایران، نه تنها سلطه ایالات متحده، بلکه موقعیت المان را نیز زیر سؤال می برد. بیجینگ با فراهم کردن بستری برای از سرگیری روابط ریاض و تهران، به موفقیت اولیه خود دست پیدا کرده است. اکنون هر دوی آن ها قصد دارند روابط دیپلماتیک خود را از سر گیرند و همچنین در حال مذاکره بر سر همکاری های گسترده تری هستند. اگر آن ها موفق به انجام چنین کاری شوند، تلاش های ایالات متحده جهت ایجاد نوعی ناتوی عربی علیه ایران، در آستانه شکست قرار می گیرد. چندین دهه است که جمهوری فدرال المان نیز از سلطه ایالات متحده در خاورمیانه منتفع می شد، زیرا همیشه قادر بود تا هر زمان که لازم باشد نفت خام و گاز طبیعی را از این منطقه تهیه و قراردادهایی را در معاملات تجاری سودآور منعقد کند. در همین اواخر، یکی از مدیران عامل شرکت زیمنس به عنوان مشاور اقتصادی ولیعهد عربستان سعودی، محمد بن سلمان، که در واقع حاکم واقعی این کشور به شمار می آید، عمل می کرد. اما این که آیا با وجود از دست رفتن نفوذ ایالات متحده، خاورمیانه همچنان پذیرای منافع المان خواهد بود یا نه هنوز مشخص نیست. مدت هاست که اتحاد نزدیک عربستان سعودی و ایالات متحده دچار بحران شده است.

نفت در ازای امنیت

از زمان پایان جنگ جهانی دوم، عربستان سعودی به عنوان متحد استثنائی ایالات متحده در نظر گرفته شده است. اتحاد آن ها بر اساس توافقاتی بود که در فبروری ۱۹۴۵ بر روی یک کشتی جنگی ایالات متحده در کانال سوئز بین رئیس جمهور ایالات متحده فرانکلین دی. روزولت و ملک عبدالعزیز بن سعود منعقد شد. در اصل، آن ها در ازای تضمین

امنیت خاندان حاکم سعودی، دسترسی ایالات متحده آمریکا به نفت عربستان سعودی را در هر زمانی فراهم می کردند. این معامله که برای چندین دهه ادامه داشت از زمانی که واشنگتن تمرکز بر جنگ قدرت اصلی خود علیه چین را آغاز کرد، تضعیف شد.

این امر زمانی نمایان شد که بارک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده با خروج نیروهای ایالات متحده از عراق و افغانستان و همچنین تلاش برای پایان دادن به مناقشه با ایران از طریق توافق هسته ئی ۲۰۱۵، به طور رسمی سیاست چرخش به آسیا را در نوامبر ۲۰۱۱ اعلام کرد [۱]. این برای ریاض که از دیرباز رقیب سرسخت تهران بود یک شکست محسوب می شد. ترس از این که واشنگتن- که در منطقه آسیا-اقیانوسیه مشغول به کار است-احتمال دارد عربستان سعودی را در شرایط اضطراری رها کند، زمانی تصدیق شد که در ۱۴ دسامبر ۲۰۱۹، پهپادها و راکت هایی که احتمالاً ساخت ایران بودند به دو تا از تأسیسات نفتی عربستان حمله کردند و تولید نفت این کشور را به مدت دو هفته به نصف کاهش دادند. ایالات متحده به کمک عربستان نیامد. ریاض شوکه شد [۲].

یک ناتوی عربی

در آن زمان، عربستان سعودی- در کنار سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس-به دو صورت واکنش نشان داد. از یک سو، به دنبال جایگزینی برای حفاظت از جانب ایالات متحده که دیگر نمی توانست به آن اتکاء کند، از جمله در زمینه های اطلاعاتی و نظامی شروع به همکاری نزدیک تر با اسرائیل، سرسخت ترین دشمن ایران در منطقه، کرد [۳]. امارات متحده عربی و بحرین در روابط صلح خود با اسرائیل حتی یک گام فراتر نهادند و در سپتامبر ۲۰۲۰ توافقنامه ابراهیم را امضاء کردند که پیرو آن همکاری های گسترده ای با تل ابیب آغاز شد. این امر با میانجی گری ایالات متحده انجام شد و واشنگتن آن را موفقیتی در راستای تلاش های خود برای ایجاد نوعی ناتوی عربی در نظر گرفت که از طریق آن می توان ایران را به لحاظ نظامی مهار و در صورت تمایل حتی به آن حمله کرد. دولت بایدن تلاش کرد تا عربستان سعودی را نیز وارد توافقنامه ابراهیم کند. با این حال، ریاض در مقابل خواستار تضمین های امنیتی قابل اعتماد شد، و- با توجه به بلندپروازی های هسته ئی ایران- خواستار حمایت ایالات متحده در توسعه برنامه هسته ئی خود گردید که صراحتاً باید شامل غنی سازی اورانیوم به طور مستقل نیز شود. واشنگتن با ارتقای ریاض به مقام یک متحد اصلی غیر ناتو یک امتیاز جزئی را برایش در نظر گرفت. مذاکرات بر سر این موضوع در آغاز ماه مارچ هنوز در حال انجام است.

یک سیاست توازن

از سوی دیگر، عربستان سعودی پس از حملات ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹ تنوع در روابط خارجی را در پیش گرفت. سیاستی که از سال ۲۰۱۳ گرایش کمتری نسبت به اتحادیه اروپا از خود نشان می داد که تحت فشار آلمان، بدون کسب موفقیت تلاش کرد تا به عنوان یک قدرت تثبیت شده در حلقه گسترده ای از کشورهای پیرامون اروپا اعمال نفوذ کند [۵]. ریاض بیشتر به سمت همکاری نزدیک با چین تغییر مسیر داد. این امر به واسطه این واقعیت محرز می شود که عربستان سعودی همکاری تنگاتنگی را با جمهوری خلق چین در رابطه با پروژه کلان شهر نئوم و همچنین اتکاء به تکنولوژی هوآوی برای ایجاد شبکه G5 را کلید زده است.

واشنگتن در صدد ممانعت از این امر برآمد اما موفق به انجام آن نشد. به موازات آن، امارات متحده عربی نیز به سمت همکاری جامع با بیجینگ گرایش پیدا کرد [۶]. هم زمان، عربستان سعودی شاخک هایش در جست و جوی شانس

جهت دست یابی به یک توافق با ایران نیز فعال شد. به همین خاطر، سال هاست که گزارش هایی از مذاکرات سعودی-ایران با میانجی گری عراق در بغداد به گوش می رسید. هنگامی که جنرال ایرانی، قاسم سلیمانی، در ۳ جنوری ۲۰۲۰ طی یک حمله پهبادی در فرودگاه بغداد به قتل رسید، گزارش هایی منتشر شد مبنی بر این که وی در مسیر خود برای انجام مذاکرات غیر مستقیم با ریاض بوده است. امارات متحده عربی نیز در مسیر ایجاد همکاری با ایران پیش رفت و در آگست ۲۰۲۲ فعالیت سفارتخانه ای خود در تهران را از سر گرفت [۷].

اقتدار ثبات زای چین

چین در پیش برد از سرگیری روابط ریاض و تهران و همچنین تضمین آن در ۱۰ مارچ تا حد زیادی موفق عمل کرده که هر دو طرف می توانند اعلام کنند در حال تجدید روابط دیپلماتیک شان اند که در ۲۰۱۶ به حالت تعلیق در آمده بود. واضح بود که شرط لازم برای موفقیت در این امر این است که چین روابط اقتصادی جامعی را با هر دو کشور عربستان سعودی [۸] و ایران [۹] ایجاد کند. گروه بین الملل بحران خاطر نشان می کند که جمهوری خلق "به عنوان یک قدرت اصلی توانست به هر دو طرف تضمین دهد"، تا بر پیشداوری های طولانی مدت شان غلبه کنند [۱۰]. مذاکرات بیشتری آغاز شده و باید نتایج کنکرتی در بر داشته باشد. آغاز همکاری های گسترده اقتصادی بین دو کشور نیز مورد بحث قرار می گیرد.

ناظران به این نکته اشاره می کنند که نزدیکی در حال توسعه بین عربستان سعودی-ایران به هیچ وجه یک معامله تمام شده نیست. هنوز موانع زیادی بر سر راه است که هر آن می تواند منجر به شکست شود. با این حال اکنون این آزمونی برای جمهوری خلق چین است که آیا می تواند نه تنها سازماندهی مجدد تنش در منطقه را به تنهایی با موفقیت آغاز کند، بلکه آن را تا دست یابی به یک نتیجه موفقیت آمیز همراهی می کند یا خیر. با انجام این کار، علناً پتانسیل خود را برای ایفای نقش یک اقتدار ثبات زای جهانی مطرح می کند.

پا در جای پای ایالات متحده امریکا

این تحول عواقب گسترده ای برای المان و اتحادیه اروپا دارد. تا زمانی که جهت گیری ریاض و ابوظبی آشکارا به سمت غرب بود، نفت و گاز حاضر و آماده از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در دسترس [غرب] و همچنین المان قرار می گرفت. شرکت های المانی می توانستند بارها و بارها از معاملات تجاری سودآور در خلیج فارس بهره مند شوند. در حال حاضر صنعت المان تمایل دارد تا در قراردادهای مربوط به کلان شهر در حال ظهور نئوم سهیم شود. عربستان سعودی قصد دارد صدها میلیارد دلار امریکائی در آن سرمایه گذاری کند. کلاوس کلین فیلد، مدیر عامل سابق گروه زیمنس موقتاً به عنوان رئیس پروژه نئوم و مشاور ولیعهد عربستان سعودی، محمد بن سلمان، حاکم واقعی پادشاهی عربستان سعودی خدمت کرده است [۱۱]. برلین عربستان سعودی را به عنوان کشوری در نظر می گیرد که می تواند نقش مهمی در تأمین هیدروژن سبز برای آینده المان داشته باشد.

حال که اولویت های سیاست خارجی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تغییر می کند، مشخص نیست که آیا اقتصاد المان در آینده نقش اول را بازی خواهد کرد یا نه. پائیز سال گذشته، دولت المان نتوانست به نحو مؤثری سفارشات کلان خود را برای واردات گاز طبیعی از امارات متحده عربی اجرا کند [۱۲]. با قطعیت نمی توان گفت که آیا علت این عدم موفقیت مربوط به واقعیتهای [میدانی] بود و یا محصول طیف وسیعی از ملاحظات سیاست خارجی..

مخاطره افزایش تشنج

کارشناسان معتقدند که موفقیت یا شکست از سرگیری روابط عربستان سعودی و ایران فقط وابسته به این دو کشور نیست. گیدو اشتاینبرگ، کارشناس مسائل خاورمیانه در مؤسسه المانی امور بین الملل و امنیت SWP مستقر در برلین، خاطر نشان می کند که "اگر دولت اسرائیل تصمیم بگیرد... به سایت های هسته ای ایران حمله نظامی کند"، این توافق ممکن است از هم بپاشد. در صورت افزایش تشنج، برای ریاض "حفاظت ایالات متحده آمریکا" "به نظر مهم تر از ایجاد روابط جدید دوستانه با ایران" است [۱۳]. از سوی دیگر، متخصصان [امور نظامی] در واشنگتن هشدار می دهند که اکنون حملات هوایی اسرائیل با مشکلات جدیدی رو به رو است. هواپیماهای جنگی اسرائیل برای انجام این حملات باید از حریم هوایی عربستان عبور کنند. بنابراین پس از این که توافق [عربستان سعودی] با ایران به نتیجه برسد، دیگر معلوم نیست که آیا ریاض این اجازه را [به اسرائیل] خواهد داد یا نه.

جرمن فارین پالیسی

۲۷ مارچ ۲۰۲۳

<https://www.german-foreign-policy.com/en/news/detail/9204>

More on the subject: [The End of US Domination at the Persian Gulf](#).

[1] See also [Das pazifische Jahrhundert](#).

[2], [3] Guido Steinberg: Im Nahen Osten viel Neues. zeit.de 22.03.2023.

[4] Dion Nissenbaum, Dov Lieber, Stephen Kalin: Saudi Arabia Seeks U.S. Security Pledges, Nuclear Help for Peace With Israel. wsj.com 09.03.2023.

[5] See also [Nachbarschaft in Flammen](#).

[6] See also [The End of US Domination at the Persian Gulf](#)

[7] UAE ambassador to Iran resumes duties after discussions between government officials. thenationalnews.com 21.08.2022.

[8] See also [Das Ende der US-Dominanz am Persischen Golf \(II\)](#).

[9] See also [The End of US Domination at the Persian Gulf](#).

[10] How Beijing Helped Riyadh and Tehran Reach a Détente. crisisgroup.org 17.03.2023.

[11] Klaus Kleinfeld berät saudischen Kronprinzen. manager-magazin.de 03.07.2018.

[12] See also [Energie deals mit Musterdiktaturen](#).